

ریشه‌یابی تفکرات غالیانه و شعوبی روایات مجازات شیخین در متون نصیری

مهدیه پاکروان^۱، علیمحمد ولوی^۲، نصرت نیلساز^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۶/۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۶/۱۹)

چکیده

اعتقاد به تناسخ در نگاه نصیریان به ظهور قائم تأثیر برجسته‌ای دارد. آن‌ها معتقدند بدکاران پس از آن‌که از صورت انسانی خارج شدند، در قالب جمادات، نباتات، بهائم در می‌آیند و این عذاب تا ظهور قائم ادامه دارد. پس از ظهور، آن‌ها به صورت انسانی خود در می‌آیند و توسط قائم کشته می‌شوند تا جایی که جوی‌های خون جاری می‌شود. از منظر نصیریان شیخین نیز پس از مرگ به عوالم تناسخی وارد و مدام شکنجه می‌شوند. آن‌ها پس از ظهور قائم محاکمه و به اشد مجازات محکوم خواهند شد. این پژوهش با بررسی منابع غالیان پیشانصیری و نصیری، نشان می‌دهد که از اواخر قرن دوم گفتمان مجازات شیخین در حلقات غالیان کوفی وجود داشته و سپس در آثار حسین بن حمدان خصیبی پیشوای نصیریان همراه با تفصیل و جزئیات فراوانی برجسته‌سازی شده است. بعد از وی نیز شاگردانش این مضمون را در قالب‌هایی جدید بازسازی کرده‌اند. بررسی اسناد - متن این روایات نشان می‌دهد که اندیشه‌های غالیانه و نیز شعوبی‌گری و عرب‌ستیزی در شکل‌گیری و فریه شدن این گفتمان نقش بسزایی داشته است. این تحقیق با روش تحلیل محتوا با طی کردن گام‌هایی چون جمع‌آوری داده‌ها، مقوله‌یابی و کدگذاری روایات، مقایسه کمی و کیفی آن‌ها و بررسی اسناد-متن روایات نتایج خود را ارائه داده است.

کلید واژه‌ها: نصیری، مجازات شیخین، شعوبی‌گری، مهدی (ع)، غلات.

m.pakravan@alzahra.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران؛

a.valavi@alzahra.ac.ir

۲. استاد گروه تاریخ، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

nilsaz@modares.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛

۱. بیان مساله

براساس باور نصیریان به تناسخ، کفار بعد از حیات دنیوی‌شان در چرخه‌های تناسخ گرفتار می‌شوند و در قالب جمادات، نباتات، بهائم و یا حیوانات وحشی درمی‌آیند. بهائم قابلیت ذبح شدن دارند و حیوانات وحشی فقط کشته می‌شوند یا می‌میرند. کفار طی ادوار مختلف با توجه به بزرگی گناه‌شان هزاران بار کشته، ذبح یا آتش زده می‌شوند. این‌ها عذابی است از سوی خدا برایشان تا زمان ظهور قائم. پس از ظهور، بدکاران به صورت انسانی خود در می‌آیند و توسط قائم کشته می‌شوند تا جایی که جوی‌های خون جاری می‌شود. این عذاب در واقع عذاب اکبر است در برابر عذابی که در بدن‌های مسخ شده‌شان می‌کشیدند که عذاب اَدنی بود. پس از آن اگر هنوز مستحق عقوبت و انتقام باشند با آتش عذاب می‌شوند (مجهول،^۱ ۱۰۸-۱۱۴؛ جلی، ۲۱۵ و ۳۳۰). شاید براساس همین دیدگاه است که در آثار نصیری بارها روز ظهور به قیامت و روز عذاب تعبیر شده است و جهنم به شمشیر قائم (برای نمونه نک: منسوب به محمد بن سنان، ۲۶، ۴۱، ۵۳-۵۴).

از جمله عذاب‌هایی که با شرح و تفصیل بسیار در منابع نصیری بیان شده عذاب شیخین است. در گفتمان آن‌ها، شیخین مدام در نسخ و مسخ به سر می‌برند. در این رویکرد تناسخی آن دو بر شخصیت‌های مذموم ادوار پیشین تطبیق داده شده‌اند و در قالب حیوانات مختلف و نیز اسامی‌ای که در بردارنده معانی تحقیرآمیزی‌اند نمود پیدا کرده‌اند (خصیبی، ۲۰۱۱، ۳۱۶-۳۱۸؛ خصیبی، ۲۰۰۷، ۳۰۸؛ حسین بن هارون، ۴۵۷؛ خصیبی، مرهج، ۴۹۰-۴۹۲ و ۵۱۸). در این منابع شیخین پس از مرگ به ابدان مسوخیه یعنی بدن‌های جدید در عوالم تناسخی (حسین بن هارون، ۴۵۷) وارد و بواسطه ذبح و کشته شدن مدام شکنجه می‌شوند (طبرانی، ۲۱۰ به بعد). پس از ظهور قائم نیز محاکمه و به اشد مجازات محکوم

۱. کتاب الاسس، از کتب نصیری، نویسنده مشخصی ندارد، هرچند به افراد مختلفی چون حضرت سلیمان، مفضل بن عمر و امام رضا علیه السلام منسوب شده است.

می‌شوند. این پژوهش با بررسی دقیق آثار نصیری به دنبال کشف و شناسایی این گفتمان در آثار نصیریان و چرایی آن است. به عبارتی سوالات تحقیق عبارتند از: روایات مجازات شیخین در متون نصیری توسط چه کسانی روایت شده است؟ حاوی چه پیام‌ها و مقوله‌هایی است؟ در چه منابعی بازتاب یافته و به چه زمانی می‌رسد؟ دارای چه تطوراتی است؟ چه عوامل و تفکراتی در شکل‌گیری آن‌ها نقش داشته است؟

۲. مقدمه

قبل از پرداختن به اصل مقاله یادکرد چند مطلب مقدماتی ضروری است.

۲-۱. پیشینه تحقیق

به صورت مستقل روی این موضوع پژوهشی انجام نشده ولی یکی از روایاتی که مساله مجازات شیخین در آن با بیشترین جزئیات بیان شده روایتی است از مفضل بن عمر که اولین بار در *الهدایة الکبری* آمده است. علی‌عادل‌زاده در مقاله "آموزه‌های نصیری در رساله رجعت منسوب به مفضل بن عمر" به بررسی اصالت و نقل این روایت در منابع شیعی پرداخته است. از آنجا که مساله مقاله نامبرده اصل روایت رجعت است، نویسنده به موضوع مجازات شیخین به عنوان یکی از بخش‌های روایت به صورت مختصر اشاره و اشکالات آن را یادآور شده است. در نقد اسناد- متن روایت رجعت، مقاله عادل‌زاده جزو مستندات پژوهش پیش‌رو قرار گرفته است. در موضوع ارتباط شعوبی‌گری و نصیری‌گری نیز دو تحقیق می‌تواند به عنوان پیشینه این موضوع قلمداد شود. مایر مایکل براشر در مقاله "مولفه ایرانی متون نصیری - علوی" به بیان مولفه‌های ایرانی متون نصیری و تحلیل آن‌ها پرداخته و نشان داده است که مذهب نصیری، مذهبی التقاطی است و پیشگامان آن به وفور از نمادها و بن‌مایه‌های ایرانی در آثار خود بهره برده‌اند. عمیدرضا اکبری نیز در بخش "نقش ادیان ایران باستان" از کتاب *نصیری‌گری متقدم، تاریخ، منابع و عقاید* نیز شواهد و مولفه‌های مختلف ایرانی‌گرایی نصیریان را جمع‌آوری کرده است.

۲-۲. روش تحقیق

تحلیل محتوا^۱ فنی برای یافتن نتایج پژوهش از طریق تعیین عینی و منظم ویژگی‌های مشخص پیام‌هاست (هولستی، سالارزاده‌امیری، ۲۶). این روش به محقق کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان و زیرین پدیده‌های مرتبط با پژوهش خود را به دست بیاورد. لاسول عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را، مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این سوالات می‌داند که چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تاثیری؟ می‌گوید (کیوی، کامپنهود، نیک‌گهر، ۲۲۲). هولستی نیز تحلیل محتوا را تکنیکی می‌داند که در مواجهه با متن پاسخگوی سوالات فوق باشد (هولستی، ۴۴). به عبارتی تحلیل محتوا به دنبال کشف چیستی و چرایی متن است. این تحقیق نیز با بومی‌سازی روش، متناسب با متون مورد بحث خود در پی پاسخگویی به سوالاتی است که پیشتر بیان شد و در این راستا به لحاظ روشی گام‌های زیر طی شده است:

الف. جمع آوری داده‌ها از متون نصیری؛ گفتنی است دسترسی به منابع نصیری معطوف به دهه‌های اخیر است و عمده آثار متقدم که دربردارنده تفکرات اصیل نصیری است در مجموعه دوازده‌جلدی *سلسلة التراث العلوی* از سال ۲۰۰۶م. به بعد چاپ شده است. این مجموعه به همراه منابعی چون *المائدة، الرسالة الاختلاف العالمین، المعارف، الرسالة المصرية، الباکورة السلیمانیة فی کشف أسرار الدیانة النصیریة، تاریخ العلویین محمدغالب امین الطویل* و منابع پیشانصیری مانند *ام‌الکتاب، المراتب و الدرج و آثار المفضلیه* در این پژوهش بررسی شده است.^۲ اطلاعات آثاری که به مجازات شیخین پرداخته‌اند در جدول زیر ارائه شده و در پژوهش علائم اختصاری کتب به‌کار رفته است.

1. Content Analysis.

۲. با تشکر و قدردانی فراوان از نصیری‌پژوه محترم جناب آقای دکتر عمیدرضا اکبری که آرشیبو منابع نصیری را در اختیارم قرار داده و پاسخگوی سؤالاتم بودند. همچنین ایشان کتاب ارزشمند خود را با عنوان نصیری به متقدم، تاریخ، منابع و عقاید پیش از چاپ سخاوتمندانه در اختیارم قرار دادند. برای توضیح بیشتر درباره مولفان و آثار نصیریان که در این مقاله نیز به برخی از آنها اشاره شده است و نیز اندیشه‌های نصیری مراجعه به این کتاب به محققان نصیری‌پژوه توصیه می‌شود. از آنجا که این کتاب در دست چاپ است و شماره صفحات آن امکان تغییر دارد در سراسر این مقاله به بخش مربوطه ارجاع داده شده است.

جدول ۱: علائم اختصاری کتب

ردیف	نام کتاب	مؤلف	اختصار	آدرس
۱	الحجب والانوار	منسوب به محمد بن سنان	ح	سلسله التراث العلوی ۶، ص ۶۱
۲	الهفت الشریف	منسوب به مفضل بن عمر	ف	ص ۱۶۴
۳	دیوان اشعار خصیبی	حسین بن حمدان خصیبی	ش	ص ۴۳۲-۴۳۵؛ ص ۴۶۰-۴۶۱؛ ص ۳۳۲-۳۳۴؛ ص ۴۹۰-۴۹۲؛ ص ۵۱۸
۴	الهدایة الکبری-روایت ۱	حسین بن حمدان خصیبی	ه-۱	ص ۴۰۰-۴۰۲؛ ص ۴۰۵؛ ص ۴۳۰
۵	الهدایة الکبری-روایت ۲	حسین بن حمدان خصیبی	ه-۲	ص ۱۶۲-۱۶۴
۶	مختصر البدء والاعاده	ابوعبدالله حسین بن هارون البغدادی صانع	ب	سلسله التراث العلوی ۶، ص ۴۵۷
۷	مجموع الاعیاد	ابوسعید میمون طبرانی	ع	سلسله التراث العلوی ۳، ص ۳۵۲-۳۵۵
۸	الطاعة متى تقوم الساعة؟	منسوب به امیر المؤمنین	ط	سلسله التراث العلوی ۹، ص ۳۸۷-۳۸۸

ب. انتظام بخشی داده‌ها و تبدیل داده‌های کیفی به کمی: به جهت تسهیل در مقایسه، سنجش تغییرات و تحلیل مضامین، ابتدا داده‌های روایات مقوله‌بندی و سپس زیرمقوله‌ها تعیین و کدگذاری شده‌اند.

ج. تحلیل داده‌ها: برای تحلیل لازم است وضعیت کیفی و کمی مقوله‌ها و کدها بررسی و مقایسه شوند. با توجه به آنکه متون مورد بحث این تحقیق روایی و دارای اسناد و متن است، علاوه بر متن در تحلیل داده‌ها بررسی اسناد نیز ضروری است. اسناد روایات علاوه بر متن، حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی برای پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق خواهد بود و در تاریخ‌گذاری و تعیین تاریخ نشر حدیث نیز راهگشاست.

د. بیان نتایج: براساس گام‌های طی شده به سوالات تحقیق پاسخ داده خواهد شد.

۲-۳. تعریف و تحدید واژگان

شعوبی‌گری: نهضتی است در برابر جریان برتری‌جویی عرب بر دیگر اقوام که منجر به تحقیر و تبعیض نژادی شدید عرب نسبت به عجم شده بود. ابن تیمیه علت نام‌گذاری شعوبیه را یاری رساندن آنها به شعوب می‌داند. شعوب به گروه‌های متشکل از عجم در

مقابل قبایل که مخصوص عرب بود اطلاق می‌شد. به طور کلی با لحاظ کردن تفکرات قومی قبیله‌ای سه گروه در جامعه عرب شکل گرفته بود: گروهی که قائل به برتری عرب بر عجم بودند؛ گروهی که فضیلتی بین عرب و عجم نمی‌شناختند و هر دو را مساوی می‌دانستند و گروه سوم که عجم را بر عرب برتری می‌دادند. دو گروه آخر جریان شعوبیه را شکل می‌دادند (ابن تیمیه، ۱۴۸-۱۴۹). دسته دوم که قائل به یکسانی عرب و عجم بودند خود را اهل مساوات و عدل می‌دانستند (ابن عبدربه، ۳/۳۵۱) اما دسته سوم عجم را بر عرب برتری می‌دادند و آرزوی بازگشت پادشاهی عجم را داشتند (بغدادی، ۲۸۵).

غلو: به معنی تجاوز از حد و حدود هر چیز است (راغب‌اصفهانی، ۶۱۳). غلات یا غالیه اسم عام فرقی است که امامان خود را از دایره مخلوقیت بیرون برده و به الوهیت می‌رساندند. همچنین باورهایی چون تناسخ نیز در میان آنان وجود داشته است (شهرستانی، ۱/۲۰۳-۲۰۴). مخالفان سیاسی عامل مهمی در شکل‌گیری و دامن زدن به افکار غلات بودند تا از این رهگذر به شیعیان آسیب وارد کرده و افکارشان را غیراسلامی و حتی مخالف با اسلام جلوه دهند (ولوی، ۲۳۱-۲۳۲). آمار ردیه‌نگاری بر غلات به‌خوبی نشان می‌دهد که به حاشیه‌راندن و غیریت‌سازی با این جریان از اهم دغدغه‌های نخبگان امامی بوده است (پاکروان، ولوی، طاوسی‌مسرور، ۵۹-۶۲).

نصیریه: این فرقه منتسب به ابوشعیب محمد بن نصیرنمیری (۲۷۰ق.) از علماء اهل بصره است (ابن غضائری، ۹۹). وی معتقد به خدایی امام هادی علیه السلام بود. خود را باب امام‌عسکری علیه السلام و سپس امام‌زمان می‌دانست و نزدیکی با محارم را جایز می‌دانست (طوسی، ۱۴۲۵، ۳۹۸). باور به الوهیت ائمه و حلول خدا در امام علی و اولادش (بزدوی، ۲۵۴؛ قاضی عیاض، ۵۰۹/۲؛ شهرستانی، ۲۲۱/۱)، اباحه‌گری (حمزّه بن علی، ۱۶۳/۲-۱۷۴؛ غزالی، ۴۶۴؛ ابن شهر آشوب، ۲۶۵/۱)، باطنی‌گری (قاضی عیاض، ۵۰۹/۲) و تناسخ (حمزّه بن علی، ۱۷۱/۲) از اصول مهم عقاید نصیریان است. با در نظر گرفتن کتابی با عنوان *الاکوار والادوار النورانیه* از ابن نصیر (ضیائی، ۶۲/۱-۶۳) به‌عنوان پیشوا می‌توان به اهمیت

موضوع تناسخ نزد نصیریان پی‌برد. این موضوع به صورت برجسته در سایر تألیفات نصیریان نیز ادامه پیدا می‌کند.

حسین بن حمدان خصیبی (د ۳۴۶ یا ۳۵۸ ق): وی را باید معمار اندیشه‌های نصیریہ و احیاگر این فرقه دانست که به نام‌های نمیریہ و خصیبیہ نیز شهرت دارند. این فرقه در عصر حاضر با نام علویہ، علویون یا نصیری‌ها شناخته می‌شود و از مهم‌ترین مراکز تجمع آن‌ها بخش‌هایی از سوریه، لبنان، ترکیه، فلسطین و عراق است (نک: اکبری، بخش ۱، ۶). خصیبی در خانواده‌ای شیعی با رویکردهای غالبانه به دنیا آمد (عصمة الدولة، ۴۹). او را متولد مصر یا جنبله دانسته‌اند (زرکلی، ۲۳۶/۲؛ امین، ۴۹۰/۵). پس از آشنایی با عبدالله بن محمد جنبلانی نزد او رفته و تحت تعلیماتش با عقاید محمد بن نصیر آشنا می‌شود (دجیلی، ۶۲۰-۶۲۱) و تا وفات استادش در ۲۸۷ ق. در جنبله می‌ماند (فریدمن، محمدی مظفر، ۱۴۴ و ۱۵۲). اصالت جنبلانی فارس است و لذا باورهایش که با برخی مناسبت‌های ایرانی‌ها مرتبط است همراه با عقاید غالبانه‌اش به روح خصیبی راه باز می‌کند. این ایرانی‌گری در آموزه‌های نصیریان بعدها نیز با قوت ادامه پیدا می‌کند. بعد از جنبلانی، خصیبی رسماً پیشوای نصیری‌ها می‌شود و به تدوین عقاید خود می‌پردازد. او مدتی در بغداد به دلیل اتهام قرمطی بودن و عقایدش به زندان می‌افتد، پس از آزادی به حلب می‌رود و تا پایان عمر آنجا می‌ماند (زرکلی، ۲۳۶/۲؛ خصیبی، مرهج، ۵۳۴ و ۵۵۵). حلب گزینه هوشمندانه‌ای برای حضور خصیبی بود. بدنه اصلی این شهر آشنایی چندانی با عقاید اصیل امامی نداشت و اگر کسی با اسم امامیه می‌خواست عقاید غالبانه را در این مکان پایه‌ریزی کند فرصت تکرار نشدنی‌ای برایش بود. خصیبی از این فرصت استفاده کرد و به تبلیغ پرداخت و تا پایان عمر در آنجا زندگی کرد. وی آثاری چون المائدة و الهدایة الکبری را در سال‌های پایانی عمرش نوشته است (نک: اکبری، بخش ۱، ۴).

۳. مقوله‌یابی روایات مجازات شیخین

چنانکه بیان شد به جهت تسهیل در مقایسه، سنجش تغییرات و تحلیل مضامین، ابتدا

داده‌های روایات مقوله‌بندی و سپس زیرمقوله‌ها تعیین و کدگذاری می‌شوند. مضمون مجازات شیخین ذیل ۵ مقوله قابل دسته‌بندی است که هر یک دارای چند زیر مقوله است:

۱. حوادث خارق‌العاده مرتبط با شیخین (A): مجازات شیخین توأم با حوادث خارق‌العاده‌ای گزارش شده که دارای ۲ زیر مقوله با کدهای زیر است:

جدول ۲: کدگذاری مقوله A

سرسبز شدن درخت خشک بعد از آویختن به درخت	تر و تازه بودن بدن به هنگام بیرون کشیدن از قبر
A1	A2

۲. ابتلاء مردم به سبب حوادث خارق‌العاده (B): به سبب این حوادث خارق‌العاده ابتلا و امتحان سختی رخ می‌دهد که زیر مقوله‌های این عنوانند:

جدول ۳: کدگذاری مقوله B

ابتلاء و امتحان مردم	سخت بودن فتنه آن روز
B1	B2

۳. مجازات شیخین (C): ذیل این مقوله بیشترین زیرمقوله‌ها (۱۹) بیان شده و به جزئیات مساله مجازات اشاره دارد:

جدول ۴: کدگذاری مقوله C

تعیین جای قبر	خراب کردن قبر	بیرون آوردن از قبر	در آوردن کفن	با صورت روی زمین کشیدن
C1	C2	C3	C4	C5
بردن به بقیع	آویختن بر درخت	پایین آوردن از درخت و زنده شدن	سوزاندن	قصاص کردن
C6	C7	C8	C9	C10
عذاب کردن	ناپود کردن	کشتن	پذیرفته نشدن هیچ مال و فدیة ای برای نجات	وزیدن باد سخت و کشنده
C11	C12	C13	C14	C15
به باد دادن خاکستر	به دریا دادن خاکستر	خسف در زمین	بازگشت مجدد و قصاص و عذاب مستمر	
C16	C17	C18	C19	

۴. مجازات طرفداران شیخین (D): در برخی روایات، طرفداران شیخین نیز ذیل ۴ زیرمقوله مجازات می‌شوند:

جدول ۵: کدگذاری مقوله D

کشتن	هلاکت با باد سیاه	سوزاندن	به باد دادن خاکستر
C1	C2	C3	C4

۵. محاکمه شیخین و طرفداران آن‌ها (E): ۴ زیرمقوله بیانگر این محاکمه و نتایج آن است:

جدول ۶: کدگذاری مقوله E

آشکار کردن قصد شیخین برای کشتن پیامبر و علی <small>علیه السلام</small>	مجرم شمردن شیخین به سبب همه گناهان تاریخ	اعتراف شیخین به همه گناهان	اعلان حکم مجازات (سوزاندن، به باد سپردن، پرتاب شدن به مکانی دور) و دلیل آن
E1	E2	E3	E4

جدول ذیل نشان دهنده وضعیت کیفی و کمی کدها در روایات مختلف است. بعضی کدها که بیش از یکبار تکرار شده با علامت (*) مشخص شده است. به عنوان مثال در دیوان اشعار خصیبی (ش) کد A1 و A3 سه بار تکرار شده است: (A1*3) (A2*3)

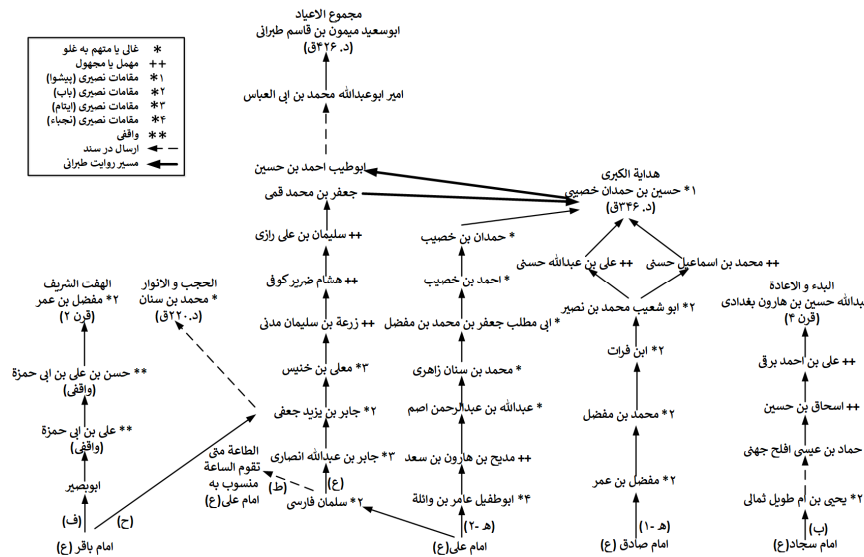
جدول ۷: کدگذاری زیر مقوله‌ها

منبع	راوی	معصوم	حوادث خارق العاده مرتبط با شیخین	ابتلاء مردم به سبب حوادث خارق العاده	مجازات شیخین	مجازات طرفداران شیخین	محاکمه شیخین و طرفداران آنها	جمع
			A	B	C	D	E	
ح	جابرین یزید	امام باقر <small>علیه السلام</small>	A1	B2	C1 C3 C6 C7	-	-	۶
ف	ابوبصیر	امام باقر <small>علیه السلام</small>	A2	B2	C3 C9 C16	-	-	۵
ش	-	-	(A1*3) (A2*3)	(B1*4)	(C1*3) (C3*4) (C7*4) (C9*3) C12 C13 C16 (C17*2)	-	-	۲۹

۲۷	E2 E3	D2	C1 (C3*4) (C7*2) C4 (C8*2) (C9*2) C10 C11 C16 (C17*2) (C19*2)	(B1*2)	A1 (A2*2)	امام صادق <small>علیه السلام</small>	مفضل به عمر	هـ-۱
۱۲	-	D1	C1 C3 C7 C17 C9 C15 C18	(B1*2)	A1 A2	امام علی <small>علیه السلام</small>	ابوالطفیل عامر بن وانله	هـ-۲
۳	-	-	C11 C13 C14	-	-	امام سجاد <small>علیه السلام</small>	یحیی بن ام طویل	ب
۳	E1	D1	C13	-	-	امام علی <small>علیه السلام</small>	سلمان	ع
۱۴	E4	D3 D4	C1 C2 C3 C7 C5 C6 C9 C16	B1	A1 A2	امام علی <small>علیه السلام</small>	سلمان	ط
۹۹	۴	۵	۶۴	۱۱	۱۵	جمع		

ع. بررسی اسناد - متن روایات و تحلیل مقوله‌ها

در نمودار ۱ اسناد روایات مجازات شیخین ارائه شده است. در این بخش متن روایات ارائه بر اساس مقوله‌های یاد شده و نیز نمودار اسناد تحلیل خواهند شد. این تحلیل نشان می‌دهد که متن و اسناد روایات به لحاظ فرقه‌شناختی متعلق به حلقات غلات نصیری است و این گفتمان در میان آنان برجسته بوده است. همچنین تفکرات شعوبی‌گری در شکل‌گیری این گفتمان نقش داشته است. برخی از روایات در منابع امامی نیز بازتاب داشته‌اند که ذیل عنوان "واکاوی روایت در منابع امامی" تطور آن‌ها در این آثار نشان داده شده است.



نمودار ۱: اسناد روایات مجازات شیخین در متون نصیری

۴-۱. الحجب والانوار (ح)

طبق روایتی در (ح) جابر نزد امام باقر علیه السلام می‌رود و از ایشان درباره عاقبت شیخین سؤال می‌کند. امام پاسخ می‌دهد آن‌ها در عوالم تناسخی و ابدان مسوخیه وارد می‌شوند تا وقتی قائم ظهور کند. قائم نزد قبرشان می‌رود و آن‌ها را در کنار قبر پیامبر می‌یابد (C1). بیرونشان می‌کشد (C3) و به بقیع می‌برد (C6). سپس تنه درختی را می‌آورد، آن‌را دو نیم و شیخین را آویزان می‌کند (C7).^۱ درخت سرسبز می‌شود (A1) و فتنه و امتحان مردم درباره این‌دو در پایان کارشان شدیدتر از قبل است (B2). این روایت دارای ۶ کد است و مقولات D و E را در بر ندارد. در مقوله مجازات نیز سخنی از سوزاندن (C9) نیست (نک: جدول ۷).

بررسی اسناد - متن روایت

این کتاب منتسب به محمد بن سنان (د ۲۲۰ ق.) است. این انتساب در آغاز کتاب آمده است: کتاب الحجب و الانوار لمحمد بن سنان روایت عن المفضل بن عمرو (منسوب به محمد بن سنان، ۱۹). همچنین منابع نصیری این کتاب را به ابن سنان نسبت داده‌اند (برای

۱. با توجه به مفهوم روایت و نیز متن دیگر روایات «بصلیها علیه» در این روایت به «بصلیها علیه» تصحیف شده است.

نمونه نک: ابن معمار، (۸۵). وی از راویان کوفی است و در میراث امامیه نیز روایات زیادی دارد. دیدگاه‌ها درباره او متفاوت است، اگرچه مشهور رجالیون وی را ذم و با چنین القابی چون ضعیف، از کذابون مشهور و غالی (کشی، ۶۱۳ و ۸۲۳؛ طوسی، ۱۴۲۷، ۳۶۴) از او یاد کرده‌اند. علیرغم این اختلاف اقوال، آنچه مورد تردید نیست این که وی محل توجه غلات و نصیریان بوده و آثار و روایات متعددی را به او منتسب دانسته‌اند. بازتاب عقاید غالیانه او را بیش از آنکه در جوامع حدیثی امامی بتوان جستجو کرد در منابع نصیری سده چهارم و پنجم می‌توان یافت. بهر حال وجود این حجم روایات غالیانه مستند به او، در صورت صحت انتساب می‌تواند نشانگر تفکرات خاصش باشد (نک: باقری، ۱۲۵-۱۴۷).

فریدمن برآنتست که (ح) چند لایه روایی دارد و دارای حتی لایه‌ای از افزوده‌های جنان جنبلانی (استاد خصیبه) است (Friedman, 246-247). باقری نیز ضمن معرفی برخی از آثار منسوب به ابن‌سنان توسط غلات این اثر را چندلایه می‌داند. یکی از منابع ابن‌شعبه حرانی (قرن ۴) در کتاب *حقائق اسرارالدین* کتاب *الانوار* محمدبن‌سنان است (باقری، ۱۴۰-۱۴۱). با استناد به این مطلب و نیز بافت و ادبیات کتاب به نظر می‌رسد کتاب متأخر از قرن چهارم نیست (اکبری، بخش ۲-۲-۳). شاهی از دیوان خصیبه نیز به این تاریخ‌گذاری کمک می‌کند. در قصیده نخست دیوان‌الغریب درباره قائم به روایت مشهوری اشاره می‌کند که از مفضل‌بن‌عمر از امام‌صادق و پیش از او از جابر از امام‌باقر روایت شده است (خصیبه، مرهج، ۴۲۴).^۱ بررسی ادامه اشعار نشان می‌دهد که منظور از روایت مشهور همان روایتی است که به نقل از مفضل در *الهدایة الکبری* آمده (نک: (ه-۱) ادامه مقاله) و دیگری می‌تواند همین روایت جابر باشد. مضمون مشترک این دو روایت مجازات و تحریق شیخین است. بنابراین حداقل این لایه از (ح) به احتمال زیاد به زمان پیش از سرودن این اشعار خصیبه برمی‌گردد. از طرفی اواخر همین قصیده آمده این ابیات در جنبلاء سروده شده است (خصیبه، مرهج، ۴۲۴-۴۳۶)، پس زمان آن باید قبل از ۲۸۷ق باشد.

۱. روایة مشتهر أهلها/ تروی عن الراوین للناذر/ مفضل عن سیدی جعفر/ و صنوه من قبله جابر/ عن خامس الحجب
أبی/ جعفر عالم كنه الغیب والباقر.

بنابراین این روایت را می‌توان مربوط به اواخر قرن دوم و نیز قرن سوم دانست. در تکمیل تاریخگذاری بررسی راویان نیز ضروری است. این روایت دارای اسناد منفرد است و از جابر به صورت مرسل نقل شده است (نمودار ۱/ح). تاریخ وفات جابر اختلافی و سال ۱۲۸ ق. بیشتر مورد تاکید منابع است (نک: طاوسی مسرور، ۴۷-۴۸)، ولی از آنجا که شاهی در دست نیست که پیش از (ح) نیز روایت جابر نقل شده باشد بنابراین تاریخ روایت از آنچه بیشتر بیان شد عقب‌تر نمی‌رود. براساس منابع موجود کتاب *الحج* و *الانوار* کهن‌ترین منبع مکتوبی است که روایت مجازات شیخین را بازتاب داده است.

به لحاظ وابستگی فرقه‌ای بررسی اسناد- متن نشان می‌دهد که روایت به حلقه‌های غالیان کوفه می‌رسد به چند دلیل: الف. *الحج* و *الانوار* جزو آثار نصیری و در جلد ششم سلسله تراث *العلوی* چاپ شده است؛ ب. مؤلف کتاب و راوی هر دو کوفی و از شخصیت‌های مطرح و برجسته در میان غلاتند. ج. در این روایت اصطلاحات خاص غلات نصیری مانند *الخلق المنکوس* و *سیدمحمد* (اشاره به پیامبر) به کار رفته است.

۴-۲. الهفت الشریف (ف)

الهفت الشریف از آثار متقدم غالیان خطابی است. خطابه یکی از گروه‌های بزرگ غالیان در نیمه نخست سده دوم به رهبری ابوالخطاب است. وی از نخستین کسانی است که توانست با برخورداری از میراث غالیان نوعی اندیشه باطنی را سر و سامان دهد. آن‌ها با اسماعیلیه نخستین روابط خوبی داشتند تا جایی که برخی این گروه را با اسماعیلیه نخستین یکی دانستند (صابری، ۲/۳۲۱-۳۲۲). مؤلف این اثر خطابی به روشنی معلوم نیست، اما آن‌را منسوب به مفضل بن عمر (قرن ۲) دانسته‌اند. آثار منسوب به مفضل جزو آثار نخستین خطابیان محسوب می‌شود (اکبری، بخش ۲-۲) و نصیریان خود را میراث‌دار اندیشه‌های ابوالخطاب می‌دانستند (اکبری، بخش ۱-۱).

کتاب *الهفت* مطالب عجیب و ساختگی زیاد دارد و متکی بر چنین گفتارهایی است:

تناسخ، ادوار و اکوار، به شهادت نرسیدن ائمه و الوهیت آنان، مقامات خاص و الوهی ابوالخطاب و بازگشت وی همراه قائم. در باب ۶۵ آن سلسله اخباری درباره هفت دوره خلقت پیش از حضرت آدم آمده است. روایت شروع این باب از مفضل و سپس از سایرین است. در این باب علاوه بر خلقت‌های پیشین مطالبی درباره قائم و علائم ظهور، توصیف شهرهایی با ویژگی‌ها و ساکنانی خاص و مطالبی از این دست آمده است. یکی از این اخبار روایتی از ابوبصیر است که می‌گوید نزد امام باقر بودیم و سخن از شیخین به میان آمد، امام بر آن‌ها لعن فرستاد و فرمود در تمامی دوران قبل از خلقت آدم آن دو گمراه و گمراه کننده بر روی زمین بودند. سپس به قائم اشاره می‌کند که روزی شیخین را مجازات خواهد کرد. در این روایت نیز مانند روایت جابر مقولات D و E وجود ندارد و کد B2 و C2 نیز مانند همان روایت است، اما دو عبارت جدید نیز اضافه شده است. در مقوله A، به جای A1 کد A2 یعنی تروتازه بودن هنگام بیرون کشیدن از قبر و در مقوله C به جای C7 کد C9 یعنی سوزاندن شیخین آمده است. به عبارتی اولین منبع مکتوبی که تحریق شیخین را بازتاب داده همین کتاب است.

بررسی اسناد - متن روایت

مفضل بن عمر از یاران امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام بود و به شدت مورد ذم برخی رجالیون قرار گرفته (نجاشی، ۴۱۶) و از سویی مدح نیز شده است (خویی، ۳۱۷/۱۹-۳۳۰). علیرغم این اختلاف نظرها قطعی این است که وی مانند ابن سنان نزد غلات و نصیریان جایگاه ویژه‌ای داشته و روایات فراوانی از او نقل کرده‌اند (ابن غضائری، ۸۷؛ حلی، ۲۵۸). به سبب همین جایگاه، صرف انتساب کتاب نمی‌تواند موجب این اطمینان شود که کتاب متعلق به قرن دوم است. بررسی راویان نیز همین را تایید می‌کند. این روایت دارای اسناد منفرد است و دو راوی آن حسن بن ابی حمزه بطائنی و پدرش (نمودار ۱/ف) از رؤس واقفه‌اند. حسن بن ابی حمزه (قرن سوم) صاحب چهار کتاب با عناوین *القائم*، *الغیبه*، *الرجعه* و *الفتن* بوده است و احتمال می‌رود این روایت از کتب وی نقل شده باشد. مفضل

متقدم بر حسن بن ابی حمزه است و نمی‌تواند از او روایت در کتابش آورده باشد. بنابراین اگر این کتاب حتی هسته اصیلی در قرن دوم داشته، این روایت افزوده‌ای از قرن سوم بدانست. در نهایت کتاب متأخرتر از قرن چهارم نیز نیست زیرا در این قرن به آن استناد شده است (برای نمونه: ابن شعبه، ۳۱).

بررسی راویان همه روایات مجازات شیخین نشان می‌دهد تنها این روایت راویان واقفی دارد. بطائنی‌ها مورد ذم رجالیون قرار گرفته‌اند، خصوصاً حسن بن ابی حمزه که به اتفاق آراء تضعیف شده و کذاب، ضعیف و ملعون برخی از توصیفات اوست (کشی، ۸۲۷/۲؛ ابن غضائری، ۵۱؛ ابن داود، ۴۴۰؛ حلی، ۲۱۳). این روایت نیز می‌تواند جعلی از بطائنی باشد که درباره قائم خودشان یعنی امام کاظم علیه السلام ساخته‌اند. گفتنی است بطائنی‌ها از موالی بودند (نجاشی، ۲۴۹) و روایات متعددی حاکی از عرب‌ستیزی یا قریش‌ستیزی قائم روایت کرده‌اند (پاکروان، ۲۰۵-۲۰۹). شواهدی دیگری در ادامه نیز خواهد آمد که ارتباط گفتمان مجازات را با جریان شعوبی‌گری نشان می‌دهد. احتمال دیگر نیز آنست که این مضمون که در حلقات غالبان وجود داشته به بطائنی که صاحب کتاب در زمینه قائم بوده نسبت داده شده باشد. گفتنی است از بطائنی‌ها روایات فراوانی در منابع امامی وارد شده ولی این روایت یا مشابه آن در جایی نیامده است.

۳-۴. اشعار خصیبی (ش)

از خصیبی مجموعه اشعاری برجای مانده که در قالب یک دیوان به چاپ رسیده است. این دیوان سه بخش دارد. سروده‌های بخش اول (خصیبی، حبیب، ۲۵-۱۴۸) عموماً در حلب در زمان سیف‌الدوله حمدانی سروده شده است (خصیبی، حبیب، ۱۵۰). عروس‌الدیوان قصیده‌ای در این بخش است که در آن مجازات فرعون و هامان یعنی شیخین آمده است (خصیبی، مرهج، ۳۳۲-۳۳۴). بخش دوم، دیوان‌الغریب شامل ۱۴ قصیده و پیرامون ظهور مهدی علیه السلام است که در چهار قصیده آن مجازات آمده است. سه قصیده از سروده‌هایش در

جنبله و عراق است که مفصل‌تر از روایات پیشین به بیان مجازات پرداخته است (خصیبی، مرهج، ۴۲۴-۴۳۶، ۴۶۰-۴۶۱، ۴۹۰-۴۹۲). قصیده چهارم در حلب سروده شده که به بیرون آوردن شیخین از زمین و کشته‌شدن آن دو اشاره کرده است. زمان سرودن این شعر ۷۰ سال پس از غیبت است (خصیبی، مرهج، ۵۱۸). بخش سوم - سجنیات - را در زندان بغداد سروده است. در مجموع گفتمان مجازات شیخین در ابیات خصیبی برجسته است و ۲۹ کد در دیوانش به این موضوع اختصاص دارد. جالب اینجاست که گزاره‌های روایی پیشین در این ابیات با بسامدهای چندباره جمع و توصیفات جدیدی نیز مانند نابود کردن و کشتن شیخین (C12, C13) به آن‌ها افزوده شده است. از مقوله D و E همچنان خبری نیست (نک: جدول ۷).

ع-۴. الهدایة الکبری - روایت ۱ (ه-۱)

روایتی مفصل حدود ۵۰ صفحه از مفضل بن عمر در باب چهاردهم کتاب الهدایة آمده که معروف به رساله رجعت است. رساله‌هایی طولانی به صورت پرسش و پاسخ بین مفضل و امام صادق قالبی کاملاً شناخته شده در میان غالبان است که خود خصیبی راوی برخی از آن‌هاست (عادل‌زاده، ۱۳). این روایت به تفصیل به حوادث ظهور می‌پردازد و ضمن آن در سه قسمت به ماجرای مجازات شیخین اشاره می‌کند. برای اولین بار مقوله D در این روایت وارد شده و طرفداران شیخین با بادسیاه هلاک می‌شوند (D2). همچنین مقوله E با تفصیل فراوان در این روایات آمده است (E2, E3). به موجب این فقرات پیش از مجازات، همه حوادثی که بر انبیاء رخ داده از قتل قابیل گرفته تا به صلیب کشیده شدن عیسی و حوادثی که بر خاندان پیامبر ﷺ گذشته در برابر اجتماع خلائق و شیخین بازگو و آنها به سبب همه این حوادث مجرم شمرده می‌شوند. علاوه بر این مسبب همه گناهان و ظلم‌های تاریخ شمرده می‌شوند. دو خلیفه نیز به همه این گناهان اعتراف می‌کنند. در مقوله مجازات نیز

۱. از آنجا که این مقاله در دست چاپ است، شماره صفحات امکان تغییر دارد.

کدهایی چون C4, C10, C11, C15, C19 اضافه شده و در مجموع این روایت با ۲۷ کد به صورت مفصل به این موضوع پرداخته است. چنانکه بیان شد تألیف الهدایة مربوط به دوره حضور او در حلب است. به گفته فریدمن ریشه بسیاری از روایات خصیبه را می‌توان در میان غلات کوفه یافت (فریدمن، محمدی‌مظفر، ۱۵۸). به نظر می‌رسد خصیبه در تألیف این روایت طولانی مکتوبات پیشینی که از غالیان کوفه در دست داشته و نیز اشعار خود را بازنویسی و همراه با تفاسیر و جزئیاتی جدید در نیمه‌اول قرن چهارم ارائه کرده است.

واکاوی روایت در منابع امامی

اولین بار حسن بن سلیمان حلی (قرن هشتم) این روایت را در مختصرالبصائر از حسین بن حمدان روایت کرده است (حلی، ۴۳۳-۴۵۸). پژوهش مستقل بر حسن بن سلیمان و کتبش نشان می‌دهد که وی اگرچه امامی است، به کتب غلات و نصیریه دلبستگی و علاقه وافری داشته و حتی اصطلاحات خاص آنان را نیز به‌کار می‌برده است. او شخصیتی است حدیث‌گرا با گرایش‌های تند غالیانه و بدون روحیه انتقادی نسبت به احادیث و روایات و لذا از هر منبعی روایات را اخذ و نقل می‌کرد. کتاب وی مختصری از بصائر الدرجات سعداشعری هم نیست، بلکه باید آن‌را مجموعه‌ای از مُسَوِّده‌ها یا دفتری از احادیث و تألیفات حسن بن سلیمان قلمداد کنیم (نک: انصاری، ۱۷۹-۱۸۰ و ۱۹۰-۱۹۱). بعد از او محمدباقر مجلسی (۱۱۱۰ ق) روایت رجعت را در بحارالانوار هم از حسین بن حمدان و هم از مختصرالبصائر روایت کرده است (مجلسی، ۱/۵۳ و ۳۵). مجلسی ترجمه فارسی این حدیث را نیز در دو کتابش رجعت (مجلسی، ۱۲۹-۱۵۷) و حق‌الیقین (مجلسی، ۳۵۶-۳۶۳) آورده است. نمی‌توان منکر این بود که عملاً با بحارالانوار کتب و دفاتر حدیثی مهجور و گاه غیر قابل اعتماد که بیشتر، کمتر مورد توجه فقها و محدثین بود وارد سرچشمه اندیشه و اعتقاد شیعیان شد. الهدایة الکبری از همین سنخ کتب است. وارد شدن این کتاب با افکار و اندیشه‌های خاص و غالیانه آن بی‌شک تأثیرات خود را در منظومه فکر شیعی داشته است (انصاری، ۱۴۱-۱۴۲). به‌هرحال با وجود ضعف منبع

نخستین یعنی الهدایه، از قرن ۱۱ ق به بعد، رساله رجعت در منابع روایی و حتی فقهی شهرت به‌سزایی یافته و بر ذهنیت شیعیان در موضوع ظهور تأثیر عمیقی داشته است (عادل‌زاده، ۲).

بررسی اسناد - متن روایت

راویان (ه-۱) را در سه گروه می‌توان جای داد: غالیان، باب‌های نصیریان، راویان مجهول (نمودار ۱/ ه-۱). حسین‌بن‌حمدان پیشوای نصیریه و از غالیان است. ابن‌غضائری او را کذاب، فاسد‌المذهب، بدعت‌گذار و غیرقابل اعتنا دانسته است (خویی، ۲۴۴/۶). از مصادیق کذاب بودن وی سندسازی‌های اوست. اکبری در "سندسازی‌ها و انتحالات خصیبی در الهدایه‌الکبری" به تبیین انواع آسیب‌ها در اسناد روایات خصیبی می‌پردازد که عبارتست از قلب سند، ساخت اسناد و نام‌هایی جدید، تدلیس و سرقت حدیث (اکبری، سراسر مقاله). در برخی روایات خصیبی باب‌های نصیری پشت هم ردیف شده‌اند، چنانکه در اسناد (ه-۱) نام ۴ باب آمده که در نمودار مشخص شده‌اند (برای معرفی این افراد به عنوان باب نک: خصیبی، ۲۰۰۷، ۵۷۳-۵۸۶؛ ابن‌معمار، ۱۲-۱۳). بنابراین سند روایت به روشنی بازتاب‌دهنده یکی از ارکان اعتقادی نصیریه یعنی باییت است. همچنین وقتی با اسناد مسلسل از ابواب روبرو هستیم عموماً انتظار داریم با روایتی اعتقادی مواجه باشیم. علاوه بر جعلی‌بودن این روایات چنین اسنادی معمولاً ضعیف و ساختگی و در بین غالیان نیز ساخت آن رایج بوده است (عادل‌زاده، ۷). همچنین محمدبن‌اسماعیل حسنی و علی‌بن‌عبدالله حسنی مجهول‌الحال‌اند. در مجموع اسناد این روایت ضعیف به احتمال زیاد ساخته خود خصیبی است.

سبک این روایت داستان‌سرایی است و در آن ضمن بیان حوادث بعد از ظهور به رجعت ائمه نیز پرداخته شده است. در این میان حوادث تاریخی متناظر با هر امام نیز بیان می‌شود. به عبارتی به لحاظ متنی این روایت چندلایه و از نظر زمانی غیرخطی است بدین معنی که بیان اتفاقات و رویدادهای تاریخی، براساس کنش‌ها و افکار سائل و راوی بیان

شده است. علاوه بر سبک روایت متن آن‌هم دارای اشکالات متعدد تاریخی و اعتقادی است. چنانکه پیشتر بیان شد نصیریان دیدگاه‌های تند و ستیزه‌جویانه‌ای نسبت به شیخین اظهار کرده‌اند. نزد آن‌ها ابوبکر و عمر در ادوار و اکوار مختلف به صورت‌های گوناگونی (ابلیس، قابیل، فرعون و هامان و...) ظهور می‌کنند و این جزء ثابت اندیشه تناسخی خصیبه است (خصیبه، ۲۰۱۱، ۳۱۶-۳۱۸؛ خصیبه، ۲۰۰۶، ۸۴؛ خصیبه، ۲۰۰۷، ۵۰-۵۲). در (ه-۱) نیز مهدی خلائق را جمع می‌کند و همه افعال شیخین را که در اکوار و ادوار مختلف مرتکب شده‌اند بر می‌شمارد.

نصیری‌ها در امتداد همان نگاه تناسخی بسیاری از آیات قیامت را بر مواقف دنیا مانند رجعت حمل می‌کنند، در سراسر (ه-۱) نیز همین رویکرد دیده می‌شود. خصیبه حتی نگاه تناسخی خود را به آتش نیز تعمیم داده و تصریح کرده آتشی که عمر بر در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام افروخت، همان آتشی بود که برای انبیاء و صدیقان و مومنان افروخته شده بود و با همان عقوبت خواهد شد. ویژگی‌های کلامی روایت و فراوان بودن اصطلاحات و آموزه‌های باطنی نصیریان که به صورت رمزگونه در روایت گنجانده شده از دیگر نشانه‌های ساختگی بودن این رساله طولانی است. بنابراین سند و متن این رساله که تاریخ تحریر آن به نیمه اول قرن چهارم می‌رسد، وابسته به جریان غلو و بازتاب دهنده تفکرات و اندیشه‌های آنان است (برای توضیح بیشتر درباره این روایت نک. عادل‌زاده، سراسر مقاله).

۵-۴. الهدایة الکبری - روایت ۲ (ه-۲)

دومین روایت الهدایة از ابوظفیل عامر بن وائله است. به موجب این روایت امیرالمؤمنین گفتگویی را با عمر با این عبارت آغاز می‌کند: مَنْ عَلَّمَكَ الْجَهَّالَةَ يَا مَعْرُورُ؟ و سپس به طعن وی و برشمردن برخی اعمال او از جمله ظلم و ستم به عترت پیامبر صلی الله علیه و آله، غصب خلافت و نافرمانی‌اش از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پردازد و مصاحبش یعنی خلیفه اول را نیز با او شریک می‌داند. سپس به پیشگویی حوادثی در آینده می‌پردازد: قتل وی توسط غلام

ام‌معمرو و بهستی بودن قاتل، به دار کشیده شدنش در آینده. عمر سؤال می‌کند چه زمانی این اتفاق می‌افتد و علی علیه السلام به جزئیات مجازات آنان توسط مهدی علیه السلام اشاره می‌کند که ذیل ۱۲ کد در جدول ۷ ارائه شده است. اگرچه این روایت برای بار نخست در این منبع مکتوب آمده، عموم کدهای آن همان کدهای ه-۱ و اشعار خصیبه است که با اختصار در این روایت نیز بازتاب یافته است. خسف شیخین در بیداء (C18) کد جدیدی است که اولین بار در این روایت آمده است.

واکاوی روایت در منابع امامی

بعد از الهدایة صاحب دلائل الامامه این روایت را به صورت مختصر با سندی جدید آورده است که در بخش بعدی بدان اشاره می‌شود و سپس در آثار روایی قرن نهم و قرن یازدهم آمده است (بُرسی، ۱۲۵؛ دیلمی، ۲۸۵/۲-۲۸۶؛ بحرانی، ۴۴/۲ و ۲۴۳-۲۴۷؛ مجلسی، ۲۷۶/۳۰-۲۷۷). نکته قابل توجه آن که این روایات اگرچه از الهدایة اخذ شده‌اند ولی در برخی منابع فوق راویان نصیری از اسنادشان حذف شده است. به عنوان مثال بُرسی و سیدهاشم بحرانی روایت را به صورت مرسل از محمدبن سنان ذکر کرده‌اند.

بررسی اسناد - متن روایت

عموم راویان حدیث غالی یا متهم به غلووند که در نمودار (۱/ ه-۲) مشخص شده است. راوی آخر مانند روایت قبل حسین بن حمدان است. وی این روایت را از پدرش حمدان بن خصیب نقل کرده که یکی از رجال اختصاصی حسین بن حمدان است. نام او تنها در اسناد الهدایة و دیگر کتب نصیری آمده است. احمد بن خصیب نیز عموی ابن حمدان است. این خاندان از هواداران اولیه محمد بن نصیر بوده‌اند.

ابوالمطلب جعفر بن محمد بن مفضل از مهم‌ترین شخصیت‌های غالیان است که کتاب آداب‌الدین نیز منسوب به اوست. ابن‌غضائری درباره وی گفته تنها غالیان از او روایت کرده‌اند و هیچ روایت صحیحی از او ندیده است (ابن‌غضائری، ۴۷). بر خلاف برخی راویان که فقط در اسناد روایات نصیری‌ها دیده می‌شوند، راویانی مانند ابن سنان در میراث

امامیه نیز روایات زیادی دارد که پیشتر به وی پرداختیم. نام عبدالله بن عبدالرحمن اصم فقط یکبار در همین روایت آمده است. او ضعیف و غالی است. مذهبش را متناقض می‌دانند و از کذاب اهل بصره است (ابن‌غضائری، ۷۶-۷۷؛ نجاشی، ۲۱۲). مدیح‌بن‌هارون بن‌سعد در الهدایه فقط یکبار در همین روایت آمده است و در کتب رجالی امامیه نیز چنین کسی وجود ندارد. احتمالاً اینجا تصحیف شده و این فرد مدلیج است، زیرا در اسناد برخی روایات عبدالله بن عبدالرحمن اصم عن مدلیج نیز آمده است. در مجموع به لحاظ فرقه شناختی بررسی اسناد- متن این روایت نشان از تعلق آن به جریان غالیان نصیری دارد.

ع-۶. مختصر البدء و الاعاده (ب)

ابوعبدالله حسین بن‌هارون البغدادی صائغ از شاگردان مهم خصیبی است. وی نویسنده کتابی است با عنوان البدء و الاعاده که کتاب جامعی است در تأیید عقیده تناسخ مبتنی بر آیات و روایات. مختصری از آن را نیز در کتابی جمع آورده که امروزه در دسترس ما قرار دارد. در این روایت به نقل از امام سجاد آمده است که شیخین در همین زمان که در قالب سوسمار و مارمولک مسخ شده‌اند در عذابند و این عذاب تا زمان قیام قائم که روز عذاب اکبر و کنار رفتن پرده‌هاست ادامه دارد. تا آن‌که با شمشیر کشته و به بدترین عذاب مبتلا می‌شوند و هیچ مالی برای آن‌ها سودمند نخواهد بود. مضامین این روایت جدید و دارای سه کد در مقوله (C) است.

بررسی اسناد - متن روایت

این روایت مرفوعاً از یحیی بن‌ام‌طویل نقل شده است (نمودار ۱/ب) و پسوند ثمالی برای او غلط است. وی از یاران برجسته امام سجاد علیه السلام است و منابع نصیری وی را باب امام باقر علیه السلام برمی‌شمرند (حریری، ۶۶). در (ب) با استناد به قرآن آنچه مربوط به قیامت و عذاب اخروی است با رویکرد تناسخ محور نصیریان تبدیل به عذاب دنیوی در زمان قائم شده است. مثلاً آیه "و یقول الکافر یا لیتنی کنت تراباً" زبان حال شیخین در دوره‌های

مسخ‌های مکررشان است. همچنین طبق آیه ۳۶ مائده، کافران حتی اگر دو برابر همه آنچه روی زمین مال آن‌ها باشد و برای نجات خودشان از مجازات روز قیامت بدهند پذیرفته نخواهد شد و مجازات دردناکی خواهند داشت. این احوالات روز قیامت تفسیر به روز ظهور و احوالات کافران شده و شیخین را نیز در بر می‌گیرد. آن دو بعد از طی عوالم مسوخی در نهایت از عوالم دردور و فاعوس (اصطلاحات نصیریان) در زمان ظهور باز می‌گردند و با شمشیر کشته خواهند شد. اموال و دارایی‌ها در آن روز هیچ نفعی برایشان نخواهد داشت، هیچ فدیة و مالی از آن‌ها پذیرفته نمی‌شود و بدترین عذاب برای آن‌ها محقق می‌شود.

۴-۷. مجموع‌الاعیاد (ع)

یکی از پرکارترین مؤلفان متقدم نصیری ابوسعیدمیمون طبرانی (د ۴۲۶ق.) است. از ویژگی آثار او تنوع موضوعات مورد بحث اوست. در آثار او مسائل اعتقادی، فقهی، دعایی و تاریخی به چشم می‌خورد. او رهبر نصیریان سوریه پس از خصیبی (فریدمن، محمدی مظفر، ۱۴۱) و شخصیتی صاحب نفوذ در میان نصیریان خصوصاً توده مردم بود (ابوموسی، شیخ موسی، ۱۳/۳-۱۴).

در خبری طولانی به نام ضلول و وبال علاوه بر عذاب شیخین به شکلی پای ظهور و مهدی نیز به میان آمده است. این روایت مفصل به نقل از سلمان با تکیه بر اندیشه‌های تناسخی نصیری، شیخین را در قالب دوشتری توصیف می‌کند که به فرمان علی علیه السلام با خنجری مسموم توسط سلمان ذبح می‌شوند. این اتفاق در عالم مادی رخ نمی‌دهد؛ گویی پرده‌ها کنار می‌رود و علی علیه السلام قصد آنان برای کشتن پیامبر با خنجری مسموم را برملا می‌کند. به همین علت سزای آنان این است که هر ساله در شب نیمه‌شعبان با همان خنجر ذبح شوند و البته این درد و الم به جسم آنان نیز منتقل می‌شود که طی ماجراهایی بیان شده است. سرانجام ذبح نهایی آن‌ها و طرفدارانشان به دست یکی از اولیاء در زمانی که امرالهی محقق خواهد شد رقم می‌خورد. از توصیفات داستان برمی‌آید که منظور از آن ولی همان

قائم است. این روایت به سبک داستانی طولانی، توأم با حوادث مختلف دارای سه کد در مقوله های E,D,C است (نک. جدول ۷). مقایسه (ع) و (ب) با روایات قبلی نشان می‌دهد بعد از خصیبی با مفهوم‌سازی و داستان‌سرایی‌های جدیدی توسط شاگردانش روبرو هستیم. گفتنی است طبرانی مطاعن سه خلیفه و نیز مجازات آن‌ها را به شکل‌های مختلف بیان کرده است. در شکل حیوانات در آمدن و سپس ذبح و خورده شدن از عذاب‌های رایج در تفکر نصیری است. طبرانی در روایت مفصل دیگری به نقل از جابر به ذبح گوسفندانی هراس‌زده در عیدقربان اشاره می‌کند. در ادامه معلوم می‌شود که آن‌ها افرادی چون طلحه و زبیر و همراهانشان هستند. خلیفه دوم نیز در میان آن‌هاست و همراه با توصیفات خاصی ماجرا بیان می‌شود (طبرانی، ۲۱۰/۳-۲۲۸).

بررسی اسناد - متن روایت

در اسناد این روایت ۵ نفری دیده می‌شوند که جزو بزرگان نصیری به شمار می‌روند و جایگاه‌های رفیع و مقامات عالیه نزد نصیریان دارند. سلمان فارسی و جابر بن یزید جعفی از باب‌های نصیریانند (نمودار ۱/ع). جابر بن عبدالله انصاری و معلی بن خنیس جزو ایتام‌اند (ابن‌معمار، ۱۴-۱۵). جابر در شمار محبتین نیز هست که این هم مقامی نزد نصیریان است. (ابن‌معمار، ۴۶). خصیبی پیشوا نیز در این سلسله قرار دارد. به نظر می‌رسد طبرانی قصد داشته در اسناد این روایت ساختگی محکم‌کاری کند! البته چندین راوی نیز در آن مجهول و ناشناخته‌اند که یا ساختگی‌اند یا از نصیریان شام و حلب. در نهایت به لحاظ فرقه شناختی بررسی اسناد- متن دو روایت اخیر نیز نشان از تعلق آن‌ها به جریان غالبان نصیری دارد.

۸-ع. الطاعة متی تقوم الساعة (ط)

الطاعة متی تقوم الساعة روایتی است مفصل - مانند رساله رجعت- در حدود ۶۰ صفحه که منسوب به امیرالمؤمنین است. این متن از متون مقدسه نصیریان است که در سلسله التراث العلوی ۹ چاپ شده و در آن بصورت منسجم و یکپارچه بخش اساسی

باورهای آخرالزمانی نصیری به تصویر کشیده شده است. در این متن که سخنرانی امام‌علی علیه السلام به روایت سلمان است امام علی خدا می‌شود، در همه ادوار حضور دارد و در نهایت نقش قائم را به عهده می‌گیرد. در این میان ماجرای مجازات شیخین به دست قائم نیز پردازش شده که ۱۵ کد دارد (نک: جدول ۷).

بررسی اسناد - متن روایت

این روایت به صورت مرسل از سلمان فارسی نقل شده است. پسوند "بن‌بهر خدری" برای او غلط است. با بررسی اولیه متن وجود لایه‌های مختلف در کتاب قابل شناسایی است. این متن اگرچه منسوب به امام‌علی علیه السلام است اما به لحاظ واژگانی با کلمات متأخر از زمان ادعای تولید متن روبرو هستیم. برشمردن مناطقی چون فرانسوا و اسپانیا از آن جمله است. مقایسه کدهای این روایت با روایات پیش‌گفته، تکراری بودن مفاهیم را نشان می‌دهد، ولی واژگان و عبارت‌پردازی‌ها جدید است. بنابراین باید این متن را متأخرتر تلقی کرد و لذا علامت خط‌چین در نمودار ۱/ط بیانگر ارسال این کتاب تا سلمان است. البته سخن از این کتاب در منابع قرن هشتم نصیری مانند *الجدول* نشان از وجود این کتاب تا پیش از قرن هشتم است. تاریخ‌گذاری دقیق این رساله تحقیقی دیگر می‌طلبد و برعهده این پژوهش نیست، اما روایت (ط) در کنار سایر روایات نصیری‌ها دلالتی دیگر بر وجود گفتمان مجازات و تحریق در میان آنهاست. در این متن برای اولین بار مجازات سوزاندن و به باد دادن خاکستر برای طرفداران شیخین نیز رقم خورده است (D3, D4). همچنین حکم مجازات شیخین و طرفداران آنها اعلام می‌شود که عبارتست از: سوزاندن، به باد سپردن، پرتاب شدن به مکانی دور (E4).

۵. ریشه‌یابی تفکرات غالیانه و شعوبی روایات مجازات شیخین

بررسی اسناد و متن روایات نشان داد که تفکرات غالیانه نصیریان نقش صریح و شفاهی در شکل‌گیری روایات مجازات شیخین داشته است. در کنار آن شواهد مختلف

نشان می‌دهد که شعوبی‌گری نیز به همان اندازه در این گفتمان تأثیرگذار است.

بسیاری از عرب‌ها همواره به دنبال برتری‌جویی بر موالی بودند و در این راستا از ابزار مختلفی استفاده می‌کردند. یکی از علل دستکاری حدیث همین انگیزه‌های ملی و قومی بوده است و شواهد فراوانی نیز دارد (نک: پاکتچی، ۵۲-۵۵). چنانکه بیان شد در برابر همین برتری‌جویی‌های عرب، شعوبیه شکل گرفت. آن‌ها عرب را حقیر می‌شمردند (زمخشری، ۱/۳۳۰) و برای اثبات برتری خود به جعل حدیث درباره فضیلت عجم نیز روی آوردند (ماتریدی، مقدمه تحقیق، ۱/۵۷). از سوی دیگر فتح ایران در زمان خلیفه دوم صورت گرفت. این امر در کنار تبعیض نژادی و برتری دادن عرب بر عجم که در زمان خلیفه دوم بطور گسترده صورت گرفت زمینه‌ساز خشم و کینه ایرانیان و در نهایت منجر به قتل خلیفه دوم به دست یک ایرانی شد. برخی از سخت‌گیری‌های متعصبانه خلیفه دوم عبارتند از: عدم مجوز ورود غیرعرب به مدینه، اجازه ندادن ازدواج مردان موالی با زنان عرب، ارث نبردن موالی از پدران و بستگان خود، جدایی انداختن بین همسران موالی و عرب، قصاص نکردن عرب در برابر موالی، سهم ناچیز موالی از دیوان عطا (نک: معلمی، اسفندیاری، ۴۵-۷۰). با این تفصیلات یکی از فرضیات این پژوهش این است که مجازات شیخین که در محفل غلات و موالی رواج داشته و توسط افرادی چون جنبلانی و خصیبی و طبرانی پر و بال پیدا کرده متأثر از گرایش‌های ایرانی و شعوبی‌گری آنان نیز هست که تماماً رنگ و لعاب مذهبی گرفته است. بر این ادعا شواهد زیر ارائه می‌شود:

الف. جنبلانی اصالتاً ایرانی است و تفکرات ایرانی‌گری از طریق او به خصیبی منتقل شده است. جنبلانی اصول باطنی را که خود با واسطه محمدبن‌جندب از محمدبن‌نصیر آموخته بود و نیز تفکر ضد عرب را به خصیبی آموخت (دجیلی، ۶۲۰-۶۲۱). خصیبی در اواخر یکی از قصایدش که به بیان مجازات شیخین پرداخته است اشاره می‌کند که این ابیات را در جنبلاء و در واقع تحت تأثیر استادش سروده است (خصیبی، مرهج، ۲۲۴-۴۳۶). وی تحت تأثیر همین استادش است که به اذعان خود در «علوم فارسی» چیره دست می‌شود (خصیبی، مرهج، ۲۶۸).

در نوشته‌های خصیبی توجه به عناصر فارسی و برجسته‌سازی و مقدس‌نمایی آن‌ها بوضوح به چشم می‌خورد. یکی از این مولفه‌ها توجه وی به پادشاهان ایرانی است تا حدی که آن‌ها را همتای پیامبران و امامان می‌آورد. وی روایتی از امام حسن عسگری نقل کرده که ایشان در گفتگویی با فردی نابینا به نام علی‌بن‌عاصم به فرش خود اشاره می‌کند که در آن جای پای انبیا و مرسلین است. آن فرد آرزو می‌کند که کاش می‌توانست فرش را ببیند و امام دستی به صورتش می‌کشد و بینا می‌شود. سپس ابن‌عاصم در روی فرش جای قدم‌ها و صورت‌هایی را مشاهده می‌کند و امام یکی یکی آن‌ها را معرفی می‌کند. عجیب اینجاست که در این لیست ۷۰ نفره که نام انبیا و امامان بیان شده پادشاهان ایرانی یعنی اردشیر و شاپور نیز وجود دارند. آنگاه امام می‌گوید اگر کسی در این‌ها شک کند یا منکر شود در خدا شک کرده و منکر او شده است (خصیبی، ۲۰۰۷، ۲۵۱). خصیبی در رساله‌های دیگرش نیز در بیان ظهورات آدم و حلول روح الهی در پیامبران مختلف، به این پادشاهان ایرانی نیز پرداخته و برآنست که نور الهی از این پادشاهان به لؤی‌بن‌غالب یکی از نیاکان قریش و سپس به اجداد پیامبر و پیامبر منتقل شد. در ادامه نیز می‌گوید که به سبب گناه و تمرد خسرو پرویز در برابر پیامبر، پادشاهی و انوار پیامبری از ملوک فارس به عرب منتقل می‌شود (خصیبی، ۲۰۰۶-الف، ۵۲، خصیبی، ۲۰۰۶-ب، ۸۸). البته در بیان انتقال انوار پیامبری از عجم به عرب زمان پریشی وجود دارد - یکبار این انتقال را در زمان یکی از نیاکان پیامبر دانسته و بار دیگر در زمان پیامبر - ولی هرچه هست خصیبی به دنبال نشان دادن برتری عجم بر عرب است. این موضوع از وی به پیروانش نیز منتقل شده تا جایی که ابن‌معمار از ۲۰ پادشاه ایرانی به عنوان باب یاد می‌کند (ابن‌معمار، ۲۵-۲۶).

خصیبی در اشعارش نیز از پادشاهان ایرانی بعنوان انسان‌های موحدی که قلبشان به نور ایمان روشن شده نام می‌برد که منتظر آمدن امام غایب‌اند (خصیبی، مرهج، ۱۲۳-۱۲۴).^۱

۱. ثم الی غائب یرجی / اوبته کل شعشعانی / من بابکی و فارسی / و کسروی و قیصرانی / و سلسلی و بهمنی / و خسروی و خسروانی.

همچنین بهمنیة که اشاره به ظهور فارسی (خصیبی، حبیب، ۱۲۴) یا عالی‌ترین تجلی الوهیت ایرانی (براشر، محمدی‌مظفر، ۱۲۰) دارد به پادشاه ایرانی (بهمن) نسبت داده می‌شود (خصیبی، مرهج، ۱۲۴) که در آثار وی از آن یاد شده است (خصیبی، حبیب، ۱۰۳ و ۱۲۴؛ خصیبی، ۲۰۰۶-الف، ۴۹).

در بیان برتری عجم، خصیبی در *المجالس النمیریة* (مناظرات بین محمدبن نصیر و رقیبش اسحاق احمر) روایتی آورده که در آن به نقل از امام‌عسگری عجم بر عرب‌افضلیت دارد. در این روایت اسحاق احمر خود را با یکی از ارادتمندان محمدبن نصیر به نام فادویه کُردی مقایسه می‌کند و چون فادویه، کرد عجم است خود را از او برتر می‌داند. در این میان امام‌عسگری سخن اسحاق احمر را رد می‌کند و بین عرب‌زاده مومن و عجم‌زاده مومن، عجم را افضل می‌داند. آنگاه با بیان اینکه توحید پیش از عرب نزد عجم بود خطاب به اسحاق احمر می‌گوید: مگر نمی‌دانی به دلیل گناهی که عجم مرتکب شد انوار از طریق لوی از عجم به عرب منتقل شد؟ (ابوالفتح بغدادی، ۶۱-۶۳)

ب. طبرانی نیز به پیروی از استادش به شدت ایرانی‌گراست. وی در *مجموع‌الاعیاد* خبری را درباره اولین ظهور الله بین فارس بیان می‌کند. این ماجرا عصر روز دهم نوروز اتفاق می‌افتد. پروردگار در قالب مردی بدون صورت نزول می‌کند که او سید محمد (اشاره به پیامبر) است و بایش نیز همراه اوست. این دو در فارس در قالب دو پادشاه (خروین و خسرو) ظهور کرده‌اند. با سجده آن دو همه عالم سجده می‌کنند و به زبان توحید با آنها سخن گفته می‌شود. بواسطه این سجده واجب می‌شود که پادشاهی به مدت ۴۵۰۰ سال بین فارس باقی بماند. همچنین طبرانی در این خبر از قباب فارسیات سخن می‌گوید. این اصطلاح مربوط به چهار طبقه می‌شود که در آنها الوهیت در فارس ظهور می‌کند. هر طبقه نام مخصوص به خود را دارد که به ترتیب عبارتند از: بهمنیة الکبری، بهمنیة العظمی، بهمنیة الحمراء، بهمنیة البیضاء. در هر کدام از این طبقات نام برخی پادشاهان ایرانی ذکر شده است که در واقع ظهور الوهیت در آنها اتفاق افتاده است. در طبقه چهارم است که این ظهور

از سرزمین فارس به سرزمین عرب منتقل می‌شود. (طبرانی، ۳۸۸-۳۹۱).

علاوه بر بالابردن پادشاهان ایرانی، ذم طبرانی نسبت به خلیفه دوم در قالب ساخت ادعیه و اعمال در مجموع/الاعیاد به خوبی بازتاب پیدا کرده است. طبرانی که راوی یکی از روایات مجازات شیخین نیز هست در این کتاب به ذکر تفصیلی اعیاد پرداخته است. وی ابتدا براساس روایتی غالبانه اعیاد را به دو دسته عربی و عجمی تقسیم کرده است. در بخش اعیاد عربی گذشته از جمعه، فطر و اضحی مجموعه اعیادی را به‌عنوان روزهایی معرفی کرده است که در نگاه نصیریان در آن ندای الوهیت ائمه اعلان شده است، مانند روز غدیر، روز اعلان الوهیت امام‌صادق و ولایت ابوالخطاب. طبرانی روز قتل عمر به دست یک ایرانی به نام ابولوء را (نهم ربیع‌الاول) یکی از مهم‌ترین اعیاد ایرانی دانسته و در چند صفحه اعمال و دعاهای آن را ذکر کرده و ضمن آن به بیان مطاعن خلیفه دوم نیز پرداخته است. در این روایت طولانی امام هادی از قول پیامبر فضائل فراوانی برای این روز نقل می‌کند و اوصاف بسیاری برای آن به کار می‌برد که غدیرثانی یک از آن‌هاست. در بخشی دیگر نیز با عنوان مقتل دلام نیز به صورت مفصل به بیان فضائل و اعمال روز نهم ربیع‌الاول پرداخته است (طبرانی، ۲۳۰-۲۳۵ و ۳۲۳-۳۴۱). تعجبی ندارد که چنین مولفی روایتی هم برای مجازاتی سخت در آخرالزمان برای خلیفه ساخته باشد! جالب اینجاست که طبرانی دعاهایی نیز با لغات و اصطلاحات فارسی دارد (طبرانی، ۴۰۸).^۱ این میزان تأثیر از فارس و ورود نمادهای آن‌ها در اندیشه پیشگامان نصیری با توجه به فضاهای متعصبانه عرب آن زمان و قوت داشتن رویکردهای شعوبی در دوره بنی‌عباس، می‌تواند نشانه مهمی در رویکردهای ضدعرب این فرقه باشد.

ج. علاوه بر جنبلانی، خصیبی و طبرانی که به شدت ضد عرب و ایرانی‌گرا هستند، توجه به برخی راویان روایات مجازات شیخین نیز حائز اهمیت است. چنانکه بیشتر بیان شد بطائنی‌ها (روایت ف) در شمار موالی و عرب ستیز بودند. برخی دیگر نیز مانند مفضل

۱. "یا نوبهار، یا نوبهار؛ زنهار، زنهار، زنهار. بهمن‌الازلی و الظهور الکنهوری و الروزیه السلسلی، بالموبدان، بموبذ الموبدان؛ یا نوبهار، یا نوبهار، یا نوبهار، زنهار، زنهار، زنهار، الأکشفة عن الظلم و حقت لنا ما أقرنا لك فی التقدّم".

بن عمر و محمد بن سنان نیز از موالی کوفه‌اند (برقی، ۳۴؛ ابن غضائری، ۹۲؛ نجاشی، ۳۲۸). نصیریان خود را میراث‌دار اندیشه‌های ابوالخطاب می‌دانستند و او نیز از موالی کوفه است (برقی، ۲۰). کتاب *الہفت الشریف* که یکی از روایات مجازات شیخین را در خود منعکس کرده است از آثار متقدم غالیان خطابی (پیروان ابوالخطاب) است. علاوه بر راویان و مؤلفان فوق، بالا بردن برخی صحابه عجم در جایگاه باب توسط نصیریان و استفاده از آنها در سلسله روایات نیز قابل توجه است. سلمان فارسی صحابه ایرانی پیامبر و مفضل بن عمر از موالی جزو باب‌های مهم نصیری‌اند و دو روایت از مجموعه روایات مجازات شیخین به آن دو نسبت داده شده است.

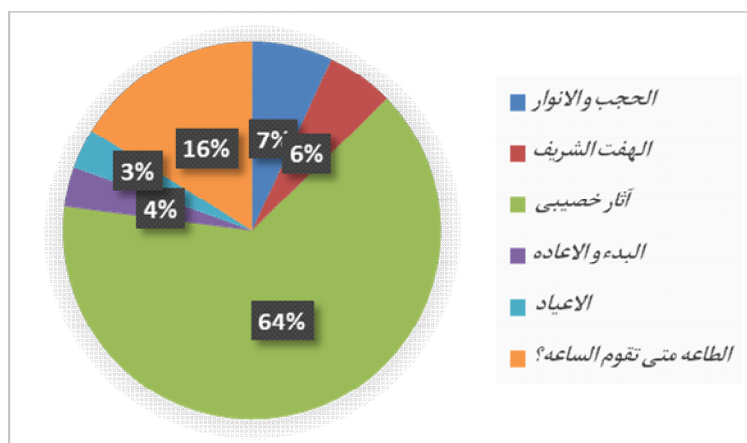
در مجموع شواهد مختلف نشان می‌دهد که موالی از روایات مجازات شیخین استقبال می‌کردند و تمایلات ایرانی‌گری، ضدعرب و ضدخلیفه دوم یکی از علل حائز توجه در شکل‌گیری و نشر آنهاست.

۶. نتایج مقاله

۱. گفتمان مجازات شیخین ضمن ۷ روایت و ۵ قصیده در متون پیشا نصیری و نصیریان پی‌جویی شد. نمودار اسناد این روایات نشان می‌دهد که همه آنها (بجز روایت ف) از افرادی نقل شده که نزد نصیریان صاحب مقام‌اند. این موضوع نشان می‌دهد ما با روایتی اعتقادی مواجهیم که برای نصیریان مهم بوده که از طرق مختلف به بزرگان آنان منتسب شود. همچنین افراد غالی یا متهم به غلو در شمار راویان فراوانند. برخی از راویان هم در منابع رجالی امامیه ناشناخته‌اند، به عبارتی یا راویانی ساختگی‌اند یا جزو رجال نصیری شام و حلب به شمار می‌روند.

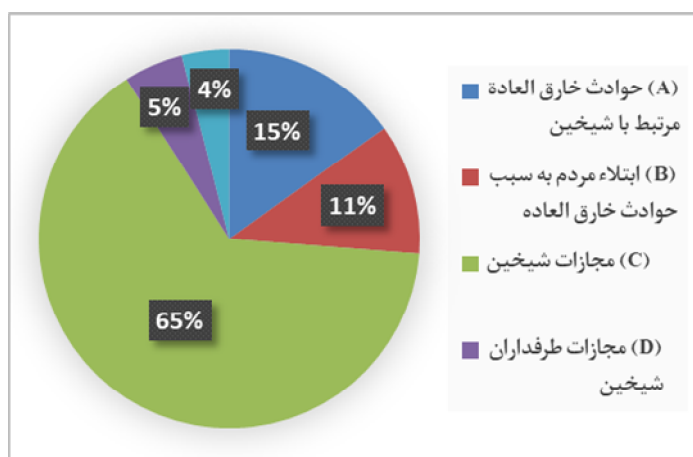
۲. بررسی اسناد - متن این روایات نشان می‌دهد که از قرن دوم به بعد گفتمان مجازات شیخین در حلقات غالیان وجود داشته، اما پرداخت مفصل آن محصولی است از حسین بن حمدان که تحت تأثیر تعالیم استادش جنبلانی رخ داده و این گفتمان را در

روایاتش فربه کرده است. خصیبه داستان را چنان به اوج رساند که دیگر جایی برای پرداخت بیشتر باقی نگذاشت. بعد از او شاگردانش مانند حسین بن هارون و طبرانی با داستان‌هایی جدید به این ماجرا دامن زدند. گفتنی است در برخی منابع اگرچه تعداد کدها کم است ولی ضمن حدیثی مفصل داستان پرداخت شده است (مانند الاعیاد).



نمودار ۲: درصد کدهای روایات مجازات شیخین در متون نصیری

۳. موضوعات این روایات ذیل ۵ مقوله قرار گرفت و نمودار ۳ نشان می‌دهد که جزئیات مجازات شیخین (C) بالاترین درصد را در میان این مقولات دارد و مقوله D,E کمترین.



نمودار ۳: درصد مقوله‌ها در روایات مجازات شیخین در متون نصیری

۴. تحلیل اسناد و متن این روایات نشان می‌دهد که تفکرات غالبانه و نیز شعوبی‌گری و

ضدیت ایرانیان با عرب و خلیفه دوم از عوامل شکل‌گیری و فریه شدن این مضمون است. غلات و نصیریان به چنین شاخصه‌های هویتی برای موجه‌سازی خود نیاز داشتند، چون می‌توانست اسباب نضج بیشتر هویت فرقه‌ای آنان را فراهم کند.

اما آیا این مضمون به همین روایات ختم می‌شود؟ پاسخ این سوال نیازمند بررسی دقیق روایات شیعه دوازده امامی و نیز سایر فرق شیعی است. نتایج این تحقیق در پژوهشی دیگر عرضه خواهد شد.

کتابشناسی

۱. آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن، الذریعة الى تصانیف الشیعة، دار الاضواء، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، اقتضاء الصراط المستقیم مخالفة أصحاب الجحیم، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۳. ابن شعبه، حسن، حقائق اسرار الدین در: سلسله التراث العلوی ۴، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۶ م.
۴. ابن شهر آشوب، محمدبن علی، مناقب آل ابی طالب، علامه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ ق.
۵. ابن عبدربه اندلسی، احمدبن محمد، العقد الفرید، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن غضائری، احمدبن حسین. الرجال، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۷. ابن معمار، ابو عبدالله جلال الدین صوفی بغدادی، الجدول النورانی، المجموعه الکامله ۲۰۱۶ م.
۸. ابوالفتح بغدادی، محمدبن حسن، المجالس النمیریة (الخلاف بین محمد بن نصیر و اسحاق الاحمر) در: سلسله التراث العلوی ۱۱، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان.
۹. ابوموسی، شیخ موسی، سلسله التراث العلوی ۳، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۶ م.
۱۰. اکبری، عمیدرضا، "سندسازیها و انتحالات خصیبه در الهدایة الکبری"، در دست چاپ.
۱۱. همو، نصیریبه متقدم، تاریخ، منابع و عقاید، دانشگاه ادیان، قم، در دست چاپ.
۱۲. امین، سید محسن، اعیان الشیعة، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۱۳. انصاری، حسن، "تشیع امامی در بستر تحول، مقاله مروری بر تاریخچه تدوین جوامع حدیثی شیعی"، در تشیع امامی در بستر تحول، نشر ماهی، تهران، ۱۳۹۵ ش.
۱۴. همو، "حسن بن سلیمان حلی و آثارش" در تشیع امامی در بستر تحول، نشر ماهی، تهران، ۱۳۹۵ ش.
۱۵. باقری، حمید، "نصیریبه و انتقال میراث حدیثی غالبان کوفه به شام؛ بررسی موردی آثار منسوب به محمدبن سنان"، علوم حدیث، س ۲۴، ۱، ۱۳۹۸.
۱۶. بحرانی، سید هاشم، مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر، مؤسسة المعارف الإسلامیة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. برانش، مایر مایکل، "مولفه ایرانی مذهب نصیری"، ترجمه محمدحسن محمدی مظفر، هفت آسمان، س ۹، ش ۳۶، ۱۳۸۶.
۱۸. برسی، رجب بن محمد، مشارق انوار البقین فی اسرار امیر المؤمنین علیه السلام، علمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۹. برقی، احمدبن محمد. الرجال، دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۲ ش.
۲۰. بزدوی، محمدبن محمد، اصول الدین، المكتبة الأزهریة للتراث، قاهره، ۱۴۲۴ ق.
۲۱. بغدادی، عبدالقاهر. الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجیة منهم، دار الجیل - دار الآفاق، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۲۲. پاکتیجی، احمد، علل الحدیث (به ضمیمه بازشناسی متن مصباح الشریعه)، انجمن علمی دانشجویی هیات دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
۲۳. پاکروان، مهدیه، استراتژی منجی: جنگ جهانی یا صلح جهانی؟ انتشارات پناه، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۱ ش.
۲۴. همو، ولوی، علی محمد، طاوسی مسرور، سعید، "نسبت سنجی میان زمان نگارش و موضوعات ردیه نگاری های شیعیان (تا نیمه اول قرن پنجم هجری)"، تاریخ نگری و تاریخ نگاری، ش ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
۲۵. جلی، محمدبن علی، حاوی الاسرار در: سلسله التراث العلوی ۲، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۶ م.
۲۶. حریری، ابوموسی، العلویون النصیریون: بحث فی العقیده و التاریخ، بیروت، ۱۹۸۴ م.
۲۷. حسین بن هارون، البدء و الاعادة در: سلسله التراث العلوی ۶، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۶ م.

۲۸. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۲۹. حلی، حسن بن یوسف، رجال (خلاصة الاقوال)، انتشارات الشریف الرضی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.
۳۰. حمزة بن علی، الرسالة الدامعة للفاسق در: رسائل الحکمة، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۱۹۸۶ م.
۳۱. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى در: سلسلة التراث العلوی ۷، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۷ م.
۳۲. همو، دیوان الخصیبی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۲۰۰۱ م.
۳۳. همو، شرح دیوان الخصیبی، به کوشش ابراهیم عبداللطیف مرهج، دیوان القلم.
۳۴. همو، الرسالة الرستباشیة در: سلسلة التراث العلوی ۲، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۶-الف م.
۳۵. همو، فقه الرسالة در: سلسلة التراث العلوی ۲، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۶-ب م.
۳۶. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق.
۳۷. دجیلی، عبدالحمید، "کتاب مجموع الأعیاد و الطریقة الخصیبیة"، المجمع العلمی العراقی، ش ۲، ۱۹۵۶ م.
۳۸. دلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، الشریف الرضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۴۰. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغة، دار صادر، بیروت، چاپ اول، ۱۹۷۹ م.
۴۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. الملل و النحل، الشریف الرضی، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش.
۴۲. صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی (۲)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، چاپ دهم، ۱۳۹۳ ش.
۴۳. ضیائی، علی اکبر، فهرس مصادر الفرق الاسلامیه، دارالروضة، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۲ م.
۴۴. طاوسی مسرور، سعید، یژهشی بیرامون جابرین یزید جعفری، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۴۵. طبرانی، ابوسعید میمون، مجموع الاعیاد در: سلسلة التراث العلوی ۳، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۶ م.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، مؤسسة المعارف الإسلامیة، قم، چاپ سوم، ۱۴۲۵.
۴۷. همو، رجال، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۴۲۷ ق.
۴۸. عادل زاده، علی، صابری، محمدعلی، "آموزه‌های نصیری در رساله رجعت منسوب به مفضل بن عمر"، مشرق موعود، ش ۶۲، ۱۴۰۱ ش، در دست چاپ.
۴۹. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصریة، المجموعة الكاملة، ۲۰۱۶ م.
۵۰. غزالی، محمد بن محمد، مجموعة رسائل الإمام الغزالی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۵۱. فریدمن، آرون، "زندگی‌نامه حسین بن حمدان خصیبی بنیان‌گذار فرقه نصیری-علوی"، ترجمه محمدحسن محمدی مظفر، هفت آسمان، ش ۳۳، ۱۳۸۶.
۵۲. قاضی عیاض، عیاض بن موسی، شرح الشفا، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۵۳. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، به اختیار محمد بن حسن طوسی، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۵۴. کیوی، ریمون، کامینهود، لوک وان، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات توتیا، اهران، چاپ ششم، ۱۳۸۱.
۵۵. ماتریدی، محمد بن محمد، تاویلات اهل السنة، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۶ ق.
۵۶. مجلسی، محمدباقر، کتاب رجعت، دلیل ما، قم، چاپ پنجم، ۱۳۹۰ ش.
۵۷. همو، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، مؤسسة الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۵۸. همو، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.
۵۹. مجهول، الاسس در: سلسلة التراث العلوی ۹، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۸ م.

۶۰. معلمی، مصطفی، اسفندیاری، مجتبی، "ریشه‌های تاریخی تبعیض درباره موالی در عصر خلفا"، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۴، ش ۱۱، تابستان ۱۳۹۲.
۶۱. منسوب به محمدبن سنان، کتاب الحجب والانوار در: سلسله التراث العلوی ۶، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۶م.
۶۲. نجاشی، احمدبن محمد، رجال، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، چاپ ششم، ۱۳۶۵ ش.
۶۳. هولستی، ال، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۸.
۶۴. ولوی، علی محمد، دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی (پژوهشی در تعامل اندیشه‌های کلام و جریان‌های سیاسی)، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
65. Friedman, Yaron, *The Nusayri-'Alawis*, Leiden, Brill, 2010.